

ارائه نهاد پیشنهادی برای ساماندهی و عملیاتی کردن سیاست مالیاتی زکات در کشور

جعفر کوشکی فروشانی

کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد- دانشگاه امام صادق علیه السلام، ایران، تهران.

mesbah1367@gmail.com

چکیده

بررسی اجمالی متن سیاست‌ها و بندهای مطرح شده در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، نشان می‌دهد که سیاست هقدsem به بخش مالیات و کارآرایی آن و درواقع تقویت نظام مالیاتی می‌پردازد؛ به گونه‌ای که بتواند بخش درخور توجهی از نیازمندی‌های بودجه‌ای دولت و کشور را تأمین کند. در این بین، زکات به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع مالی دولت اسلامی، با مشکلات و چالش‌های فراوانی از جمله عدم بهروزرسانی پایه مالیاتی، دستگاه‌های موازی متولی، بار مالیاتی مضاعف بر دوش مؤدیان مالیاتی، عدم شفافیت اطلاعاتی، نبود بانک جامع و نظام یکپارچه مالیاتی روبروست. تعیین متولی و مسئول ساماندهی امور زکات می‌تواند یکی از پیشنهادهای ارائه شده در راستای کاهش و برطرف ساختن آسیب‌های بیان شده باشد. براین اساس در این نوشتار ضمن بررسی برخی نظرات مختلف فقهای امامیه درباره این موضوع، به روش توصیفی- تحلیلی و از طریق گردآوری اطلاعات اسنادی- کتابخانه‌ای، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که اولاً متولی زکات در دوران حضور غیبت ولی امر در جامعه اسلامی متفاوت است؛ ثانیاً بر مبنای همین تفاوت در دوران حضور ایشان، قدرمتیقن نظرات فقهاء

این است که در صورت درخواست امام، پرداخت به ایشان واجب است و لذا بر اساس نظر بیشتر ایشان، متولی آن در این دوران امام جامعه است؛ ثالثاً در دوران غیبت امام، فقهاء در تعیین متولی اختلاف نظر دارند و از جمله مواردی که به عنوان متولی ذکر شده‌اند، عبارت است از فرد زکات‌دهنده، فقهاء امین و تفصیل بین این دو گروه. در پایان پس از بررسی و تبیین نظرات بیان شده و نیز شرایط وضعیت موجود در جامعه اسلامی در عصر کنونی، این نظر تقویت می‌شود که متولی دریافت زکات در دوران حکومت اسلامی، امام جامعه است و برای اساس پرداخت زکات به فقهاء امین شیعه، آن‌گونه که در دوران کنونی (و با حضور امام در جامعه) انجام می‌گیرد، وجهی ندارد و این سازوکار تنها نظر تعدادی از فقهاء آن هم برای دوران فقدان حکومت است؛ لذا این سازوکار باید تغییر کند و زکات به متولی اصلی اش داده شود تا بتواند بر اساس شناسایی و آگاهی کامل‌تر خود نسبت به مواضع مصرف، آن را در جامعه اسلامی هزینه و مصرف کند.

کلیدواژگان: زکات، متولی دریافت، حکومت اسلامی و دوران غیبت، فقهاء امین، اقتصاد مقاومتی.

۱. مقدمه

بررسی اجمالی متن سیاست‌ها و بندهای مطرح شده در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد که سیاست هفدهم به بخش مالیات و کارآرایی آن و درواقع تقویت نظام مالیاتی می‌پردازد؛ به گونه‌ای که بتواند بخش درخور توجهی از نیازمندی‌های بودجه‌ای دولت و کشور را تأمین کند. متأسفانه نظام مالیاتی کشور به رغم ظرفیت بالای درآمدی، معایب و آسیب‌های فراوانی دارد که به اجمالی می‌توان به فرار مالیاتی فراوان، دستگاه‌های موازی مالیاتی، ناکارآمدی و عدم به روزرسانی پایه‌های مالیاتی متناسب با منابع مصرفی، درصد پایین نرخ مالیاتی، معافیت‌های تبعیضی فراوان، وجود بار مالیاتی مضاعف بر دوش مؤدیان مالیاتی، عدم شفافیت اطلاعاتی، نبود بانک جامع و نظام یکپارچه مالیاتی، و نبود نظام دریافتی یکپارچه و مشخص اشاره کرد. در این میان زکات نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع مالی دولت اسلامی، با مشکلات و چالش‌های فراوان بیان شده، از جمله عدم به روزرسانی پایه مالیاتی، دستگاه‌های موازی متولی، بار مالیاتی مضاعف بر دوش مؤدیان مالیاتی، عدم شفافیت اطلاعاتی، نبود بانک جامع و نظام یکپارچه مالیاتی مواجه است. زکات از واجبات عبادی و مالی مهم در چارچوب دین اسلام است. تشریع وضع زکات بسیاری از نیازهای بشری را

پاسخ‌گوست و با تأکید بر توجه به فقیر و مسکین و تعیین ضوابط زندگی اجتماعی، نقش مهمی را در به فعلیت رساندن اصل دعوت اسلامی ایفا می‌کند؛ همان‌طور که در دوره نبوی دارای اهمیت بسیاری بوده است؛ ولی امروزه با توجه به مشکلات پیش‌گفته، کارایی و اثربخشی خود را تا حد از دست داده و احیای مجدد آن می‌تواند بسیاری از مشکلات مالی جامعه اسلامی را در بخش تأمین اجتماعی بروز کند. از این‌رو، تعیین متولی و مسئول ساماندهی امور زکات، می‌تواند یکی از راههای احیای این ابزار مالی در راستای کاهش و برطرف‌سازی آسیب‌های یادشده باشد. در این نوشتار ضمن بررسی برخی آرای فقهای امامیه درباره زکات، به روش توصیفی-تحلیلی و از طریق گردآوری اطلاعات استادی-کتابخانه‌ای چنین نتیجه‌گیری می‌شود که اولاً متولی زکات در دوران حضور و غیبت ولی امر در جامعه اسلامی متفاوت است؛ ثانیاً بر مبنای همین تفاوت در دوران حضور ایشان، قدر متین نظرات فقهاء این است که در صورت درخواست امام، پرداخت به ایشان واجب است و متولی در این دوران، امام جامعه می‌باشد؛ ثالثاً در دوران غیبت ایشان، فقهاء در تعیین متولی زکات اختلاف نظر دارند و برای نمونه، هر یک به مواردی همچون فرد زکات‌دهنده، فقهاء امین و تفصیل بین این دو گروه، به عنوان متولی زکات اشاره کرده‌اند. در پایان ضمن تبیین نظرات بیان شده و همچنین بررسی شرایط وضعیت عصر کنونی، این نظر تقویت می‌گردد که متولی دریافت زکات در دوران حکومت اسلامی، ولی امر مسلمین است. براین اساس پرداخت زکات به فقهاء امین شیعه، آن‌گونه که در دوران کنونی (حضور امام در جامعه) انجام می‌شود، وجهی ندارد و این سازوکار تنها بر اساس نظر تعدادی از ایشان و فقط برای دوران فقدان حکومت است. لذا بایسته است که این سازوکار تغییر کند و زکات به متولی اصلی اش داده شود تا تواند با نظر به شناسایی و آگاهی کامل‌تر نسبت به مواضع مصرف، آن را در جامعه اسلامی هزینه و مصرف نماید.

درباره پیشینه بحث درباره متولی زکات، می‌توان به مقاله‌هایی با عنوان «متولی زکات» و «ولی امر و مالکیت اموال عمومی» اشاره کرد. در مقاله اول، هاشمی شاهرودی ضمن بررسی نظر صاحب عروه و نقد نظر آقای خویی، اثبات می‌کند که در عصر غیبت، پرداخت زکات به صورت ابتدایی به حاکم شرع واجب نیست و خود مکلف مجاز است آن را در موارد مقرر مصرف کند. البته در صورت مطالبه حاکم شرع در زمان حکومت اسلامی، پرداخت زکات به وی واجب خواهد بود و مصرف آن از سوی مالک، مجزی از تکلیف نیست. نگارنده در این مقاله، صرفاً به دنبال بررسی استدلال و آرای بیان شده بوده و به این مسئله تنها از دریچه موضوعی فقهی توجه کرده است و از منظر بررسی مزايا و معایب هر یک از روش‌های دریافت و تطبیق و کارآمدی آنها در شرایط کنونی به مسئله توجه نکرده است؛ در حالی که ما در مقاله پیش رو، ضمن پیگیری این موضوع از منظر

فقهی، به دنبال ارائه سازوکار مناسب برای بهبود وضعیت نظام مالیاتی زکات هستیم. در مقاله دوم، محمد مؤمن به بررسی سه عنوان خمس، زکات و موقوفات عامه می‌پردازد. وی در بحث زکات پس از نظرات فقهای متقدم، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که بنا بر نظر مشهور، صاحبان مال می‌توانند خود مستقیماً زکات را به مستحقان پرداخت کنند؛ اما اگر امام آن را مطالبه کند باید آن را در اختیار او قرار دهند و براین اساس زکات یک منبع مالی عظیم در دست ولی امر مسلمین است که می‌تواند به وسیله آن، بسیاری از مشکلات فقر و نیازمندان جامعه را برطرف سازد. مقاله یادشده به موضوع متولی دریافت زکات و نظرات مختلف درباره آن پرداخته و نظر «پرداخت زکات در دوران حکومت اسلامی در صورت درخواست ولی امر» را تقویت کرده است و این منظر، کاری بسیار متقن است. البته نگارنده، به این مسئله از منظر بررسی چالش نهاد مسئول دریافت زکات در دوران حکومت اسلامی نپرداخته است. همچنین به تفکیک مسئله و بررسی پاسخ‌های متفاوت آن با توجه به دوران حکومت اسلامی اشاره نکرده و نتیجه حاصله را با وضعیت دریافت زکات در این دوران تطبیق نداده است؛ درحالی که ما در مقاله پیش رو می‌کوشیم ضمن تمرکز بر وجه حکومتی مسئله، به بررسی تطبیقی آرا با شرایط کنونی پردازیم.

در واقع در مقاله پیش رو، ابتدا توضیح مختصراً درباره اهمیت و ضرورت مالیات‌های اسلامی و نقش و جایگاه آن در متون اسلامی ارائه، و در ادامه به طور خاص به موضوع زکات پرداخته می‌شود. در این بخش ابتدا اجمالاً به بحث آسیب‌شناسی نظام مالیاتی زکات اشاره می‌شود و سپس بحث اصلی مقاله در دو بخش «اهداف شارع از وضع زکات» و «متولی دریافت زکات» مطرح می‌گردد. در پایان پس از جمع‌بندی نظرات بیان شده، وضعیت موجود نظام مالیاتی زکات، بررسی و پیشنهادی برای بهبود وضعیت آن ارائه می‌شود.

۲. پیش‌درآمد

۱-۲. اهمیت و ضرورت مالیات‌های اسلامی

مهم‌ترین واجبات مالی اسلام که در آیات و روایات به آنها اشاره شده است، عبارت اند از: زکات، خمس، خراج و جزیه. در فقه اسلام بحث‌های جداگانه‌ای به هر یک اختصاص یافته و به تفصیل درباره آنها سخن گفته شده است. مالیات‌های اسلامی را بر اساس میزان و نرخ، و در تطبیق با انواع مالیات‌های متعارف می‌توان به مالیات مقطوع، مانند زکات فطره (که هر شخص واحد شرایط باید پردازد)، مالیات تناسبی مانند خمس (که باید بر اساس نسبت معینی پرداخت شوند و کم یا زیاد شدن متعلق مالیات، در کاهش یا افزایش نرخ اثری ندارد)، مالیات تصاعدی (هیچ‌یک از

مالیات‌های ثابت اسلامی به شکل تصاعدی وضع نشده‌اند) و مالیات تنازلی، مانند زکات حیوانات (مالیات با درآمد رابطه عکس دارد) تقسیم کرد (مدرسی، ۱۳۶۷، ص ۲۷).

فلسفه پرداخت زکات، ریشه‌کنی فقر از جامعه اسلامی است و اگر مسلمانان به این دستور حیات بخش به خوبی عمل کنند، در جامعه اسلامی فقیری باقی نخواهد ماند. امام صادق ع می‌فرماید: «همان زکات برای آزمایش ثروتمندان و کمک به فقیران مقرر شده است و اگر مردم زکات مال خود را پردازند مسلمان تهییدست و نیازمندی باقی نخواهد ماند» (عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۴). مهم‌ترین دلیل اقتصادی تشریع زکات، ایجاد توازن اقتصادی و رفع محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی است. بنابراین مسئله عدالت اقتصادی و اجتماعی، به عنوان زیربنای حقوقی تشریع مهم‌ترین مالیات اسلامی مطرح می‌گردد (صالح‌آبادی، ۱۳۸۳، ص ۷).

مالیات‌های شرعی، ویژگی‌هایی از جمله نرخ پایین و ثبات در قانون دارند و از واجبات تعبدی هستند که از بروز عدم کارایی جلوگیری می‌کنند. به طور خلاصه، برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های منابع مالی دولت اسلامی بدین قرارند: زکات از حیث اجباری و یک‌طرفه و سالیانه بودن، داشتن مصارف معین و پایه‌های مالیاتی متعدد و داشتن معافیت، مشابه مالیات است؛ هرچند تقاضاهایی نیز با مالیات دارد. نرخ زکات، تناسبی و به طور میانگین از یک درصد تا ده درصد است. نرخ زکات گوسفند ۱٪، گاو و شتر ۲٪، طلا و نقره ۲/۵٪، محصولات دیم ۱۰٪، و محصولات آبی ۰/۵٪ است. در شرایطی که وضعیت مؤدیان زکات مناسب نباشد، حاکم می‌تواند اخذ زکات را به تأخیر بیندازد و از این روز زکات نیز می‌تواند ابزار سیاست مالی شود. مالیات اسلامی، مالیات مستقیم است. این نظام، مبتنی بر آبادانی و مشوق آن است و آثار بسیاری، از جمله کاهش فرار مالیاتی، افزایش کارایی، افزایش رفاه کل، کاهش مصارف و فعالیت‌های غیرمولد و ایجاد تعادل را به همراه دارد (rstmi، ۱۳۹۴، ص ۷).

زکات و خمس دارای نرخ تناسبی و یا تصاعدی پایین هستند و از این روش کاهش نابرابری درآمد و ثروت اثر جزئی دارند؛ ولی به عنوان مخارج، موجب ارتقای طبقات پایین جامعه می‌شوند.

مالیات‌های صدر اسلام همگی از مالیات‌های مستقیم بودند. خراج از اجاره زمین، خمس از سود یا پس‌انداز اشخاص و زکات از شبه اجاره یا سود گرفته می‌شود؛ یعنی از مانده درآمد کل ایشان (پس از آنکه مخارج مصرفی و سرمایه‌ای و نیز پرداخت‌های انتقالی در طی سال از آنها کسر می‌شود) مالیات گرفته می‌شود. هیچ‌یک از مالیات‌ها بر ارزش تولید یا نهاده‌های به کاررفته در تولید وضع نمی‌شوند؛ بنابراین هیچ نوع اثر نامطلوبی بر کارایی فعالیت‌های اقتصادی ندارند (صدر و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۱۸).

۲-۲. جایگاه مالیات در متون اسلامی

به طور کلی در متون اسلامی مالیات جایگاه ویژه‌ای دارد. پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، مسئله گرفتن زکات و واریز کردن آن به بیت‌المال و تمرکز آن توسط حاکم اسلامی با نزول آیه (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدْقَةً) (توبه: ۱۰۳) مطرح شد.

این آیه در ماه رمضان سال دوم هجری در مدینه نازل شده و پیامبر اکرم ﷺ دستور داد تا نداشتن زکات را همچون نماز واجب ساخت. پس از یک سال نیز فرمان داد که مسلمانان زکاشان را بپردازند.

حضرت علیؑ نیز افرادی را برای جمع‌آوری زکات می‌فرستاد. در نهج البلاغه حدود بیست دستور برای شیوه برخورد زکات‌گیرندگان با مردم بیان شده است و با توجه به نامه‌های ۲۵ و ۶۷، اختیار زکات باید به دست حاکم اسلامی باشد (قرائتی، ۱۳۹۱، ص ۸۱-۸۵). در روایات برای حاکم اسلامی وظایفی تعیین شده است؛ از جمله اینکه بدھکاران را بپردازد: «فعلى الإمام أن يعطيه». بنابراین مکتبی که برای امام و حاکم اسلامی هزینه تعیین می‌کند، باید منبع درآمد نیز معین کند. در روایات آمده است: پنهان کردن زکات از امام نشانه نفاق است. اگر پنهان کردن زکات نشانه نفاق است، پس باید زکات نزد امام المسلمين جمع‌آوری و توسط او تقسیم شود. حضرت علیؑ در نامه‌های ۲۵، ۲۶ و ۶۷ به مسئول زکات سفارش‌هایی می‌کند که نشان می‌دهد اختیار زکات باید به دست حاکم اسلامی باشد. نمونه آن اینکه می‌فرماید: «زکات را به حاکم اسلامی برسانند تا او تقسیم کند» (نامه ۲۵-ص ۴۱۷)؛ «زکات را فوری نزد ما آورید، تا بر طبق کتاب خدا و سنت پیامبرش تقسیم کنیم (نامه ۲۵ ص ۴۱۸)». به همین دلیل ابوبکر با گروهی که زکات نمی‌دادند برخورد نظامی کرد و در تاریخ نام آن گروه، به اصحاب رده معروف شده است. در تأمین زندگی فقرا از طریق حکومت، ذلت و خواری و تحقیر نیست؛ ولی اگر فقیر به طور مستقیم از دست افراد کمک بگیرد، احساس حقارت می‌کند. بنابراین برای حفظ کرامت و آبرو و شخصیت فقرا باید زکات نزد حاکم عادل اسلامی جمع‌آوری و تقسیم شود. امام علیؑ در کتاب پرشمردن راههای تقویت یک جامعه اسلامی به امر مالیات نیز اشاره می‌کند:

امور مردم جز با سپاهیان استوار نمی‌گردد و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردد و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی‌های خود را بر طرف سازند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

امام علیؑ هنگام نوشتن نامه به مخفف بن سلیم، فرماندار اصفهان در سال ۳۶ ق، سیمای

مالیات‌گیرندگان را چنین توصیف می‌کند:

بدان! برای تودر این زکاتی که جمع می‌کنی، سهمی معین و حقی روشن است و شریکانی از مستمندان وضعیان داری. همان‌گونه که ما حق تورا می‌دهیم. تو هم باید نسبت به حقوق آنان وفادار باشی و اگر چنین نکنی در روز رستاخیز بیش از همه دشمن داری (نهج البلاغه، نامه ۲۷).

در جای دیگر می‌فرماید:

همان شما خزانه‌داران مردم و نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید. هرگز کسی را از نیازمندی او بازندارید و از خواسته‌های مشروعش محروم نسازید و برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی و مركب سواری و بدنه‌های کاری او را نفوشید و برای گرفتن درهمی کسی را با تازینه تزئید و ... (نهج البلاغه، نامه ۵۱).

در اسلام، موارد و شرایط زکات و کیفیت ادائی آن به طور دقیق مشخص شده و مسئولیت اخذ آن بر عهده دولت اسلامی است و کسانی که از پرداخت زکات امتناع ورزند، بازخواست می‌شوند و می‌توان با متمردین آن در صورتی که به انکار ضروری دین بینجامد، مقابله کرد. علمای اسلام زکات را از ضروریات دین و منکر آن را کافر دانسته‌اند (قراتی، ۱۳۹۱، ص ۱۵-۲۰).

۳. آسیب‌شناسی زکات

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، منع مالی زکات دارای ظرفیت بسیار مناسب برای تأمین اهداف تعیین‌شده در چارچوب و سازوکار مالی اسلام است، ولی متأسفانه این ابزار در عصر حاضر با تغییر ساختارهای زندگی فردی و چارچوب‌های ایجادشده بر اساس فقدان حکومت اسلامی به زندگی اجتماعی و دوران حکومت اسلامی تحول نیافته است و همچنان سازوکار پیشین خود را دارد و لذا از نظام مجتهد - مقلد که متناسب با آن دوران است، به نظام امام و امت تحول نیافته است. اگر بتوان جامعه اسلامی همراه با حاکمیت ولی امر را نظامی دارای اجزای مختلف و هماهنگ در نظر گرفت، این قطعه ارتقایافته در دوران گذار از نظام فردی به نظام اجتماعی اسلام، سبب اختلال در کارآمدی اداره کل جامعه شده است. در این بخش به اختصار درباره اشکالات ایجادشده به سبب عدم بهروزرسانی و ارتقای نظام مالیاتی زکات از نظام فردی به اجتماعی بیان می‌گردد. در ادامه ضمن تبیین مسئله و با توجه به وضعیت موجود، راهکار ارائه شده برای برطرف ساختن مشکلات پیشنهاد می‌گردد.

۱-۳. عدم به روزرسانی پایه مالیاتی

زکات از واجبات عبادی و مالی مهم در چارچوب نظام اسلامی است. تشریع زکات بسیاری از نیازهای بشری را پاسخ‌گوست و نقش مهمی در به فعلیت رسیدن اصل دعوت اسلامی با تأکید بر توجه به فقرا و مساکین در زندگی اجتماعی دارد. مشهور فقهای امامیه زکات را در نه مورد طلا و نقره مسکوک، شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، کشمش و خرما قرار داده‌اند؛ اما منحصر ساختن زکات در این اقلام، بدون توجه به طبیعت و ماهیت زکات، به معنای نرسیدن به هدفی است که شارع تعیین کرده است. شاید مهم‌ترین موضوعی که عنصر زمان و مکان در احکام و شرایط آن لحاظ نشده است، همانا موضوع وجوب زکات و تعیین موارد آن است که با پیشرفت زمان و مکان پیشرفت نکرده، بلکه مباحث در همان چارچوب و شرایط دوران گذشته باقی مانده‌اند. امروزه به رغم ایجاد تغییرات فراوان اجتماعی در روش زندگی و نیز تفاوت ریشه‌ای آشکار در ثروت‌های جامعه، هیچ تغییری در سازوکار زکات نشده است. برای مثال، امروزه معاملات به جای سکه‌های قدیمی، بر پول کاغذی و اعتباری تکیه دارد. اکنون دیگر پرورش حیوانات فقط محصور در بیابان چربودن و مختص شتر، گاو و گوسفند نیست. غلات چهارگانه در همه مکان‌ها کشت نمی‌شوند و اگر هم کشت شوند، با ثروت‌های فراوان دیگر در جامعه قابل مقایسه نیستند. ازین رو بی‌توجهی به این اصل، موجب اختلال در نظام اجتماعی و پایه‌های اساسی جامعه شده است. به نظر می‌رسد به روزرسانی پایه‌های مالیاتی زکات بر اساس تشخیص ولی امر در هر زمان و بر اساس مصالح و مقتضیات جامعه، می‌تواند بسیاری از مشکلات این بخش را مرتفع سازد و شکاف طبقاتی را در جامعه کاهش دهد.

۲-۳. دستگاه‌های موازی متولی

در بررسی متولی ساماندهی امور زکات، مشخص می‌شود که از طرفی مجتهدین و فقهای امین (به عنوان متولی دریافت زکات در دوران نبود حکومت اسلامی) هر کدام جداگانه اقدام به دریافت زکات کرده‌اند و از سوی دیگر کمیته امداد امام خمینی ره (به عنوان کارگزار حاکم اسلامی) نیز مسئول جمع‌آوری زکات است. همین تشتت و تعدد متولیان، سبب سرگردانی و تحریز زکات‌دهندگان شده است. به عبارت دیگر اولاً دونهاد به طور مجزا و موازی، در حال دریافت زکات‌اند و ثانیاً نهاد مجتهد-مقلد دارای تکثر فراوان متولی دریافت است و هر مجتهد، مستقل از دیگر مجتهدان، اقدام به دریافت زکات می‌کند. این رویه از سویی موجب می‌شود که نتوان چارچوبی قانونی و یک‌پارچه

برای آن تنظیم کرد و از سوی دیگر سبب می‌گردد که قدرت اقتصادی این ابزار مالی به میزان فراوانی کاهش یابد.

۳-۳. بار مالیاتی مضاعف

بر اساس نظرات فقهای شیعه در عصر کنونی، مالیات به دو دسته شرعی و حکومتی تقسیم می‌گردد. خمس و زکات را جزو مالیات شرعی و دیگر مالیات‌هایی را که حکومت اسلامی بر اساس نیاز خود وضع می‌کند، مالیات حکومتی می‌نامند. عدم ایجاد ساختار و چارچوب مناسب و نیز نبود نسبت مشخص بین این دو، سبب شده است تا حکومت اسلامی هزینه دین‌داری را ندانسته و به صورت نظام‌مند افزایش دهد و به عبارتی این طور القا کند که افراد در جامعه اسلامی هرچه میزان تقیدشان به دین اسلام بیشتر باشد، باید از نظر اقتصادی بیشتر متضرر شوند و در عوض افراد کم‌قید و احیاناً بی‌اعتباً به احکام اسلامی، هزینه زندگی‌شان کمتر است و این خود تشویق به لاابالی‌گری است. امروزه افراد متشرع از سویی باید مالیات شرعی خود را پردازند و از سوی دیگر باید مالیات‌های وضع شده توسط حاکمیت را نیز پرداخت کنند، ولی در عوض افراد لاابالی‌گر از طرفی مقید به پرداخت مالیات‌های شرعی نیستند (سازوکاری نیز برای دریافت آن و یا افزایش دیگر مالیات‌های وضع شده وجود ندارد) و از طرف دیگر بر فرض عدم فرار مالیاتی، فقط ملزم به پرداخت مالیات حکومتی‌اند. این در شرایطی است که هر دو گروه به یک اندازه از امکانات حکومت اسلامی استفاده می‌کنند. این عدم تحول ساختار سبب شده که هزینه دین‌داری در جامعه اسلامی ناخواسته افزایش یابد و افراد متشرع، دچار فشار مالیاتی مضاعف شوند.

۴-۳. شفافیت مالی و نبود بانک جامع اطلاعاتی

با توجه به قرار نداشتن سازوکار دریافت زکات در چارچوب مجتهد - مقلد ذیل سازمان‌های حکومتی، هیچ‌گونه سازمان نظارتی‌ای برای حسابرسی و بررسی حساب‌های مالی آنها در قانون پیش‌بینی نشده است. لذا نمی‌توان اطلاعات دقیقی از مقدار دقیق زکات جمع‌آوری‌شده، موارد مصرف آن و همچنین نحوه به کارگیری آن، بر اساس اولویت و نیاز کشور کسب کرد و همواره باید برآوردها بر اساس مقدار بالقوه باشد. آشکار است که برنامه‌ریزی‌ها در هر حوزه، بر پایه اطلاعات جامع و شفافیت است و نبود این اطلاعات در بخش زکات، موجب شده که هیچ‌گاه نتوان برنامه‌ای جامع و راهبردی برایش ترسیم کرد. عدم شفافیت مالی به سبب تعدد افراد دریافت‌کننده زکات در سازوکار مجتهد - مقلد، موجب شده است تا نتوان به طور جامع و یکپارچه به نظام مالیاتی توجه کرد و مزايا و معایب این ابزار مالیاتی را در کنار دیگر ابزارها بررسی و تحلیل نمود.

۴. اهداف شارع از وضع زکات

اکنون پس از بررسی مختصر آسیب‌هایی ایجادشده در حوزه زکات، لازم است به بررسی علل ایجاد این چالش‌ها پردازیم و سپس راهکار پیشنهادی را ارائه کنیم. یکی از مسائل درخور توجه در بحث تعیین متولی دریافت زکات، توجه به شأن نزول آیات وجوب و موارد مصرف زکات است. آنچه از روایات معصومین^۱ و تبیین آیات مورد نظر و توضیح فقهای امامیه در این زمینه به دست می‌آید، این است که زکات، در وضع و تشریع اولیه خود، نه حقوقی فردی، بلکه از واجبات مالی مربوط به حکومت و جامعه اسلامی است و مؤمنان در پرداخت یا عدم پرداخت آن، هیچ‌گونه حقی از خود ندارند؛ بر امام است تا به جمع آوری آن اقدام کند و کارگزارانی را برای این امر منصوب نماید و از طریق دریافت این مالیات اسلامی، امور مرتبط با موارد مصرفی تعیین شده را ساماندنه کند. همه فقهای شیعه در اینکه اصل وجوب زکات فی الجمله از ضروریات دین است و همانا منکر آن در زمرة کفار است اجماع دارند و این حکم مبتنی بر آیه زکات است (Хمینی، ص ۱۴۲۵، ق ۵). در این بخش برای توضیح بیشتر موضوع، روایات ذیل آیه زکات را شرح می‌دهیم و از این منظر، هدف و غرض شارع را از وضع این ابزار مالی بررسی می‌کنیم.

۱-۴. روایت اول

از عبدالله بن سنان از امام صادق^ع چنین روایت شده است:

وقتی آیه زکات (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُظَهِّرُهُمْ وَتُنَزِّكُهُمْ بِهَا) (۱) (توبه: ۶۰) در ماه رمضان نازل شد، رسول خدا^ع به منادی خود دستور داد [تا مردم را فراخواند]. پس او مردم را ندا داد که خداوند تبارک و تعالی زکات را بر شما واجب نموده است، همان‌طور که نماز را بر شما واجب کرد... سپس ایشان دستور داد به منادی تا مردم را ندا دهد: ای مسلمین! پاک کنید اموال خود را (بهوسیله زکات) تا نمازهایتان پذیرفته شود. امام^ع فرمود: سپس رسول خدا^ع کارگزاران و مأموران ویژه جمع آوری صدقات (زکات) و خراج را روانه ساخت (عاملی، ۱۴۰۹، ص ۱۰).

شیخ مفید در المقنعه درباره این آیه می‌گوید:

۱. از اموال آنها صدقه‌هایی به عنوان زکات بگیر تا به وسیله آن، آنان را پاک سازی و پرورش دهی.

خداوند سبحان می فرماید: در این آیه خداوند پیامبرش را امر فرمود تا از مردم به جهت پاک کردن آنها از گناهان، صدقاشان را بگیرد و خداوند بر امت واجب کرده که زکات خود را نزد پیامبر ﷺ ببرند؛ زیرا بر امت واجب نموده اطاعت از پیامبر ﷺ را، ونهی کرده مخالفت با او را و امام، قائم مقام پیامبر است و او چون پیامبر ﷺ مورد خطاب است به آنچه بر پیامبر ﷺ واجب کرده از اقامه حدود و احکام الهی، پس هنگامی که پیامبر ﷺ زنده است واجب است زکات به او داده شود و آنگاه که حضرت وفات نموده‌اند، واجب است زکات را به جانشین ایشان بدھند و اگر جانشین پیامبر ﷺ غائب است، باید به فردی که او به طور خاص نصب نموده است، داده شود و با نبود نائب خاص، واجب است به فقهای امین از شیعه پرداخت گردد؛ چون فقیه به موارد مصرف زکات آشناتر از ناآگاهان به دین است (مفید، ۱۴۱۰، ص ۲۵۲).

در بیان شیخ مفید چند نکته اهمیت دارد؛ اولاً مشخص می‌شود که بر اساس نظر ایشان، پرداخت زکات در زمان حضور حاکم اسلامی بر امت واجب است و این وجوب، مختص زمان معصومین ﷺ نیست؛ بلکه شامل جانشینان ایشان نیز می‌شود؛ ثانیاً پرداخت زکات به فقهای امین، برای زمانی است که حکومت اسلامی وجود ندارد و با وجود حکومت، اولویت پرداخت به ایشان سالبه به انتفاع موضوع است؛ ثالثاً ایشان علت پرداخت زکات به فقیه را، آشناتر بودن ایشان به موارد مصرف می‌داند. با توجه به این استدلال، این حکم به طریق اولی ضرورت پرداخت به حاکم اسلامی را اثبات می‌کند.

۴-۲ روایت دوم

از امام صادق ﷺ درباره آیه زکات (توبه: ۶۰) پرسیده شد که آیا این حکم درباره امام پس از رسول خدا ﷺ نیز جاری است؟ فرمود: بله (بحرانی، ۱۳۷۴، ص ۸۳۷).
هاشمی شاهرودی در توضیح این روایت، دربار بNF حق شخصی بودن زکات و تأکید بر حق اجتماعی بودن آن می‌گوید:

زکات از اموال عمومی و مربوط به مصالح عامه مسلمین است و ازین رو گردآوری و توزیع آن در مصارف مقرر از شئون حاکم ولی امر است. مستفاد از آیه شریفه (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً...) که در آن پیامبر مأمور اخذ زکات شده، این است که اخذ زکات از وظایف و شئون ولی امر است و از خصایص نبی نیست. در روایات مربوط به اصناف مستحقین زکات مانند صحیحه زarah و محمد بن مسلم نیز اخذ زکات وظیفه ولی امر و

حاکم است و اوست که صلاحیت اخذ زکات را دارد. از طرفی دیگر همه شئون پیامبر و امام که به عنوان ولی امر داشتند در زمان غیبت بر مبنای ادله عموم ولایت فقیه برای فقیه جامع الشرایط ثابت است. اگر ادله آن را نپذیریم و اگر در ادله عموم تشکیک کنیم شئون مذکور از باب حسبه برای فقیه جامع الشرایط ثابت است؛ زیرا قطعاً می‌دانیم شارع راضی نیست شئون مربوط به اداره جامعه اسلامی و مصالح عامه تعطیل شود و حتی در زمان غیبت نیز باید کسی متولی آن باشد که قدر متین آن فقیه جامع الشرایط است (هاشمی شاهروodi، ۱۳۹۱، ص ۱۰).

همان طور که از بیان ایشان بر می‌آید، می‌توان این طور فهمید که اولاً زکات از اموال شخصی افراد نیست، بلکه حق عمومی و مربوط به بیت‌المال مسلمین است و ثانیاً از شئون حاکم اسلامی است و در این حق، هیچ تفاوتی بین معصوم و غیرمعصوم وجود ندارد.

۴-۳. روایت سوم

به امام صادق (ع) گفته شد: نظر شما درباره آیه شریفه (إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامَلِيَّنَ عَلَيْهَا وَالْمُؤْلَفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنَى السَّبِيلِ فَرِيقَةً مِنَ اللَّهِ) (توبه: ۶۰) چیست؟ آیا به تمام اینها که در آیه نام برده شده، زکات عطا می‌شود، اگرچه شیعه نباشد؟ امام صادق (ع) فرمودند: امام به تمامی اینها زکات می‌دهد؛ زیرا اطاعت و پیروی اورا پذیرفته‌اند. زراره گوید به حضرت عرض کردم: اگرچه عارف به حق (شیعه) نباشد؟ حضرت فرمود: ای زراره، اگر امام بخواهد فقط به طرف‌داران حق بدهد و به دیگران نپردازد، چه بسا محل موردی برای زکات پیدا نشود؛ همانا امام به غیر شیعه می‌دهد تا رغبت در دین پیدا نمایند و بر آن ثابت باشند؛ اما در این روزگار تو و اصحابت به غیر شیعه زکات ندهید (عاملی، ۱۴۰۹، ص ۲۱۰).

۱۳۰

۴-۴. روایت چهارم

در تفسیر علی بن ابراهیم به نقل از عالم آل محمد (ع) آمده است که آن حضرت در تفسیر آیه زکات فرمود:

۱. زکات مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای جمع آوری آن زحمت می‌کشند و کسانی که برای جلب محبت‌شان اقدام می‌شود و برای آزادی برداشتن و ادای دین و بدکاران و در راه تقویت آیین خدا و واماندگان در راه؛ این یک فریضه مهم الهی است و خداوند دانا و حکیم است.

بدهکاران گروهی اند که به خاطر اموالی که بدون اسراف در طاعت خدا خرج نموده‌اند مقروض شده باشند. پس بر امام واجب است دیون آنان را پرداخت نماید و از مال صدقات آنان را از گرفتاری برهاند. و «فی سبیل الله» کسانی هستند که به قصد جهاد از منزل بیرون می‌آیند و نزد آنان چیزی که با آن خود را قوی و توانا کنند نیست، یا گروهی از مؤمنان اند که مالی ندارند تا با آن به حج مشرف شوند، یا جمیع راههای خیر که سبیل الله محسوب می‌شود. پس بر امام است که از مال صدقات به آنان عطا کند تا با آن قدرت بر انجام حج و جهاد بیابند؛ و «ابن سبیل» مسافرانی هستند که سفر آنان در جهت طاعت خداست و از راه مانده‌اند و مالشان از دست می‌رود؛ پس بر امام است که از مال زکات و صدقات، آنان را به وطنشان بازگرداند (عاملی، ۱۴۰۹، ص ۲۱۳).

منتظری در توضیح روایت سوم می‌گوید:

از این صحیحه استفاده می‌شود که زکات به حسب تشریع اولی در اختیار امام است که به وسیله آن، حاجت‌ها و نیازهای مردمی را که تحت حاکمیت او هستند بر طرف می‌نماید؛ چه عارف به حق باشند یا نباشند؛ ولکن وقتی نااحلال متصدی حکومت شدند و زکات‌ها در غیر مصارف‌شان صرف گردید و شیعه در محرومیت باقی ماند، در چنین صورتی امام ﷺ به شیعیان دستور فرمودند که زکات‌شان را فقط بین فقرای خود تقسیم کنند و این در حقیقت یک حکم و اجازه موقتی است از جانب امام ﷺ برای شرایط خاص، نه حکم اولی اسلام برای همه زمان‌ها (منتظری، ۱۳۶۷، ص ۷۵).

همچنین وی در توضیح روایت چهارم می‌گوید:

از این روایات و روایت‌های دیگری همانند آنها، استفاده می‌شود که زکات بر اساس حکومت اسلامی تشریع شده و یکی از مالیات‌های حکومتی است و این حکومت اسلامی است که با گماشتن افراد، زکات را جمع آوری کرده و به مصارف مورد لزوم می‌رساند (منتظری، ۱۳۶۷، ص ۲۰۱).

با توجه به توضیح منتظری، آشکار می‌شود که اولاً هدف امام از اجازه و اختیار دادن به افراد در تقسیم زکات فقط از باب کاهش تسلط و قدرت و بسطید حاکمان جور بوده است؛ ثانیاً این حکم موقتی است و پس از رفع معذوریت، اذن برداشته می‌شود و افراد، موظف به پرداخت آن به امام هستند؛ ثالثاً زکات یک حق مالی حکومتی است و این مطلب با توجه به موارد مصرف وضع شده توسط شارع، به طور کامل آشکار می‌گردد؛ زیرا در صورت نبود حکومت، مواردی که صرفاً در زمان حکومت اسلامی قابل مصرف هستند (همچون تألیف قلوب، حقوق کارگزاران و مصرف در

راه خدا) تعطیل می‌شوند و تشخیص مصادیق آن فقط بر عهده حاکم اسلامی خواهد بود.

۵. تعیین متولی دریافت زکات

اکنون که شأن نزول آیه زکات مشخص شد و روایات ذیل آن بررسی گشتند، مناسب است در تکمیل مطالب بیان شده، نظرات فقهای امامیه درباره متولی زکات در عصر حضور و عصر غیبت امام در جامعه اسلامی بررسی شود. تعیین متولی زکات همواره در میان فقهای امامیه و در ذیل بحث زکات مطرح بوده است و هر یک بر اساس استنباط و دریافت خویش از روایات و آیات مربوطه، به توضیح این موضوع پرداخته‌اند. در نگاهی کلی می‌توان آرا و نظرات بیان شده را در دو بخش دسته‌بندی کرد:

۱-۵. وجود حکومت اسلامی

نظرات بیان شده در تعیین مسئول دریافت زکات در این دوره را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم کرد:

۱-۱-۵. وجوب ابتدایی پرداخت

همان‌طور که در بررسی شأن نزول بیان شد، شماری از فقهای امامیه، زکات را یک منبع مالی اجتماعی و حکومتی دانسته‌اند (گرچه در بیان مطلب، تفاوت‌هایی با هم دارند). لذا در صورت وجود حکومت اسلامی متولی زکات را، ولی امر اعلام کرده‌اند و در این حکم بین اینکه امام، این حق مالی را در خواست کند یا خیر، تفاوتی قائل نشده‌اند. از فقهای قائل به این نظر، می‌توان به شیخ طوسی، شیخ مفید، ابن براج، قطب راوندی، ابن‌زهره و ابوصلاح اشاره کرد.
شیخ طوسی در النهایه می‌نویسد:

در صورت حضور و دسترسی به امام یا کسی که امام او را نصب کرده است، زکات به وی پرداخت می‌شود و تقسیم زکات نیز بر عهده اوست؛ با این توضیح که زکات را بین گروه‌های هشتگانه، حسب صلاحیت خود تقسیم نماید و لازم نیست که برای هر گروهی (هشتگانه) جزئی از زکات را قرار دهد؛ بلکه می‌تواند در صورتی که گروهی از دیگری بیشتر باشند، بین آنها تفاوت گذاشته، گروهی را بر دیگری ترجیح دهد (طوسی، ۱۳۶۲، ص ۱۸۵).

همان‌طور که از ظاهر عبارت شیخ آشکار می‌شود، اولاً^{۱۰} وی حکم پرداخت ابتدایی به ولی امر را به طور مطلق واجب می‌داند و تفاوتی بین طلب و یا عدم طلب زکات توسط امام قائل نیست؛ ثانیاً زکات را از شئون حاکم اسلامی می‌داند ولذا برای امام معصوم و نایب ایشان در مسئله اداره جامعه،

حکمی یکسان می‌دهد. این مطلب از عبارت «در صورت حضور و دسترسی به امام یا کسی که امام او را نصب کرده است» مستفاد می‌گردد.

عبارة قطب راوندی در فقه القرآن در این زمینه چنین است:

هنگامی که صاحب‌مال زکاتش را در زمان حضور امام و بدون اذن ایشان به فقیر بدهد، امام باید آن را بازگرداند و به دلیل تعلق وجوب پرداخت زکات بر او، دوباره از وزیر زکات را مطالبه نماید. خداوند می‌فرماید (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزْكِيْهِمْ بِهَا) (تبوه: ۶۰) و بعد از پیامبر ﷺ، امام در اجرای احکام، مخاطب آنچه پیامبر ﷺ مورد خطاب قرار گرفته بود می‌باشد (راوندی، ۱۳۶۳، ص ۲۲۹).

وی در جایی دیگر توضیح این مطلب می‌گوید:

(خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً)؛ خداوند در این آیه دستور به دریافت زکات از مردم داده است و به مردم نیز در جهت اطاعت پروردگار، دستور پرداخت آن را به پیامبر ﷺ می‌دهد که امام در آنچه پیامبر ﷺ مورد خطاب قرارگرفته بود در اجرای احکام مورد خطاب است (همان، ص ۲۳۷).

از مطلب قطب راوندی استفاده می‌شود که وی معتقد است اولاً فرد پرداخت‌کننده زکات، فاقد ولایت در تصرف مال است و اگر با اذن ولی امر نباشد، عمل او مجزی از تکلیف نیست و لذا ولی امر می‌تواند آن را بازگیرد؛ ثانیاً معتقد به حکم وجوب ابتدایی در پرداخت زکات است و از دستور «خُذْ» در آیه، وجوب پرداخت توسط افراد را نتیجه می‌گیرد و این که اگر پرداخت به ایشان واجب نباشد، آن‌گاه دستور به دریافت امر لغوی شده است؛ ثالثاً دریافت زکات را از شئون حاکم اسلامی می‌داند و لذا بین نبی و امام به عنوان جانشین ایشان تفاوتی قائل نیست.

عبارات شیخ مفید، ابوصلاح حلبي، ابن‌زهره و ابن‌بڑاج نیز همانند عبارت شیخ طوسی و قطب راوندی است (مروارید، ۱۴۱۰، ص ۱۰۷-۱۸۰).

۱-۵ قول به تفصیل (مشهور)^(۱)

طرفداران این نظر اولاً به عدم وجوب ابتدایی پرداخت زکات حکم داده‌اند و ثانیاً بین حالتی که امام آن را درخواست کند و حالتی که درخواست نکند تقاضت قائل شده و برای هر یک، حکمی جداگانه بیان کرده‌اند.

۱. صاحب عروه معتقد است که این نظر، رأی مشهور است.

به نظر می‌رسد این تفصیل مسئله، ناشی از نگاه فردی به ماهیت زکات است و دخیل کردن درخواست و عدم درخواست امام در حکم، از باب لزوم تبعیت از حکم حاکم در تمام مسائل است. بنابراین ایشان به خودی خود این حق را برای زکات ذاتی نمی‌دانند. این مسئله در نظر عده‌ای پرنگ‌تر و در نظر عده‌ای دیگر کمتر است، ولی درون‌ماهیه هر دو، غفلت از ماهیت اجتماعی زکات است:

۱-۲-۱-۵. درخواست امام

در صورتی که امام درخواست کند تا زکات به ایشان پرداخت شود، فقهای قائل به این نظر دارای دو عقیده‌اند: برخی به وجوب پرداخت قائل اند و شماری دیگر اولویت پرداخت آن به ولی امر را نظر مطلوب می‌دانند.

۱-۲-۱-۵. وجوب پرداخت زکات

فقهای قائل به این نظر، معتقدند که اگر امام درخواست دریافت زکات کند، واجب است زکات به ایشان داده شود. به نظر می‌رسد در این نظر، ماهیت حکومتی بودن این حق مالی مغفول مانده است و در ابتدای امر، به آن به عنوان حقی فردی توجه شده است. آنان وجوب پرداخت در صورت درخواست امام را، نه از باب توجه به ماهیت و غرض تشریع زکات، بلکه از باب وجوب اطاعت از دستورهای حاکم شرع (مانند لزوم تبعیت از دیگر دستورهای ایشان) می‌دانند و بروز اختلاف نظر درباره کسی که بدون اجازه امام آن را صرف کند و بحث درباره عدم اجزاء و اجزاء همراه با ارتکاب گناه نیز بالحظ این مسئله در لسان آنها قابل توجیه است. ابن حمزه، محقق حلی، ابن سعید هذلی، علامه حلی و شهید اول را می‌توان از طرفداران این نظر به شمار آورد.

ابن حمزه در الوسیله در توضیح مطلب خود می‌نویسد: «در صورتی که امام حاضر باشد و زکات را طلب نماید، پرداخت آن به امام واجب است و در صورتی که به امام پرداخت نکرده و خود مستقیماً آن را پرداخت نماید، زکات مجزی نبوده و رفع تکلیف نمی‌کند» (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ص ۱۲۹).

از عبارات ابن حمزه استفاده می‌شود که وی معتقد است اولاً پرداخت ابتدایی به امام واجب نیست؛ ثانياً در صورت درخواست، پرداخت به ایشان واجب است؛ ثالثاً اگر کسی بدون اذن امام، اقدام به مصرف آن کند، مأذون نیست و باید همان مقدار را به امام بازگرداند.

عبارت محقق حلی در شرائع الإسلام چنین است:

در صورتی که امام آن را طلب نماید، پرداخت آن به ایشان واجب می‌شود و در صورتی که مالک شخصاً آن را تقسیم نماید، گروهی اعتقاد به اجزاء و رفع تکلیف دارند، هرچند مرتكب گناه شده است و گروهی دیگر اعتقاد به عدم اجزاء دارند. قول به عدم اجزاء و عدم رفع تکلیف در صورت پرداخت توسط کسی که پرداخت آن بر او واجب شده است، بهتر به نظر می‌رسد (محقق حلى، ۱۴۱۵، ص ۱۲۵).

از عبارت محقق حلى به دست می‌آید که وی نیز اولاً پرداخت ابتدایی زکات را واجب ندانسته است؛ ثانياً در صورت درخواست امام، پرداخت به ایشان را واجب می‌داند؛ ثالثاً عمل کسی را که این حق را به امام پرداخت نکند، بری الذمه از تکلیف نمی‌داند؛ گرچه عده‌ای مجزی از عمل می‌دانند.

علامه حلى نیز شبیه همین مطلب را در قواعد الاحکام آورده است: «پس در صورتی که امام زکات را طلب کند، وجوب پرداخت آن به امام متعین می‌گردد و در صورتی که مالک شخصاً اقدام به پرداخت آن نماید، مرتكب گناه شده است» (حلى، ۱۴۱۰، ص ۵۹).

علامه حلى همان‌طور که مشخص است، اولاً به عدم وجوب ابتدایی پرداخت و جоб در صورت درخواست امام حکم می‌دهد؛ ثانياً اقدام فرد بدون اجازه را گناه می‌داند و از عبارت فهمیده می‌شود که وی پس از حکم به وجوب، این عمل مالک را مجزی از تکلیف نمی‌داند.

۱-۲-۱-۵. اولویت پرداخت به امام

طرفداران این نظر ضمن ردنظریه وجوب ابتدایی زکات، حق و اجازه مصرف در مواضع مشخص شده را برای فرد مزکی قائل شده‌اند (گرچه اولویت واستحباب در پرداخت را در مرتبه اول برای امام اثبات کرده‌اند). به نظر می‌رسد همان‌طور که بیان شد، در این نگاه، زکات یک حق مالی کاملاً فردی است و قائلان آن به ماهیت حکومتی زکات هیچ‌گونه توجهی نکرده‌اند و شاید شرایط و مقتضای نبود حکومت اسلامی در دوران ایشان، یکی از علل عدم توجه به این مسئله باشد؛ تا جایی که حتی لزوم تبعیت از حاکم اسلامی نیز در این مسئله مغفول مانده است. برای این نظر می‌توان به سید مرتضی و ابن‌ادریس اشاره کرد.

عبارت سید مرتضی در جمل العلم والعمل چنین است: «افضل و اولی پرداخت زکات^۱ - مخصوصاً از اموال ظاهری مانند چهارپایان و محصولات کشاورزی - به امام و نواب ایشان

بوده است» (علم الهدی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷).

از عبارت سید مرتضی چهار مطلب استفاده می‌شود: اولاً عدم وجوب ابتدایی پرداخت به امام؛ ثانیاً عدم وجوب در صورت درخواست امام؛ ثالثاً جواز پرداخت توسط مزکی؛ رابعاً اولویت پرداخت به امام نسبت به مزکی.

۱-۲-۵. عدم درخواست امام

قائلان به این نظر معتقدند که اگر امام زکات را از مزکی درخواست نکند، فرد مزکی دارای ولایت و اجازه مصرف زکات در موضع معین شده است. با این حال ایشان نتوانسته‌اند به شأن حکومتی بودن زکات بی‌توجه باشند و لذا این گروه نیز در پرداخت این حق مالی، اولویت را به امام می‌دهند. نکته درخور توجه در این دیدگاه، آن است که این گروه نیز در زمان وجود حکومت اسلامی، این حق را از آن فرد زکات‌دهنده و حاکم شرع می‌دانند و پرداخت به فقهای امین، در این موضع نیز مطرح نمی‌شود.

ابن حمزه در الوسیله متولی پرداخت زکات را خود شخص می‌داند: «اما در صورتی که امام زکات را طلب نماید، خود شخص می‌تواند زکات را به مستحق پرداخت نماید و اولی است که زکات مال ظاهر را به وی (امام) پرداخت کند» (ابن حمزه، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷).

از این عبارت استفاده می‌شود که ابن حمزه نیز ضمن رد وجوب ابتدایی وجوب در صورت درخواست، اولاً این حق را برای مزکی اثبات می‌کند و ثانیاً باز اولویت پرداخت را به امام می‌دهد. علامه حلی نیز در قواعد الأحكام می‌نویسد: «مالك بین پرداخت زکات به امام، مساکین، عاملان جمع‌آوری زکات یا منصوب امام مختار است؛ درحالی که پرداخت آن به امام بهویشه در اموال ظاهری بهتر و افضل است» (حلی، ۱۴۱۰، ص ۵۹).

از این عبارت آشکار می‌شود که علامه حلی نیز جواز صرف زکات توسط مزکی را اثبات کرده است؛ گرچه برای پرداخت به امام، به درجه اولویت استحباب قائل است.

عبارت محقق حلی، ابن سعید و شهید اول نیز همانند عبارات ابن حمزه و علامه حلی است (مروارید، ۱۴۱۰، ص ۳۶۵-۴۴۱).

۵-۲. فقدان حکومت اسلامی

در دوران فقدان حکومت اسلامی، فقهاء درباره متولی زکات، سه نظر دارند. عده‌ای متولی این امر را فقهای امین شیعه، و عده‌ای خود مزکی می‌دانند و گروهی نیز در این حکم قائل به تفصیل شده‌اند.

لازم است پیش از ورود به مباحث دوران فقدان حکومت اسلامی، این نکته بیان شود که اولاً در دوران حکومت اسلامی، پرداخت زکات دایر مدار بین حاکم و فرد زکات دهنده است و پرداخت به فقهای امین در آن دوران مورد توجه نبوده است و این مسئله در دوران نبود حکومت مطرح می‌گردد؛ ثانیاً پرداخت زکات به فقهای امین به عنوان نظر اجتماعی در بین فقهای امامیه در این دوران مطرح نیست؛ بلکه این مسئله نظر تعدادی از ایشان است. اکنون پس از بیان این مقدمه لازم است نظرات بیان شده درباره مตولی زکات در دوران غیبت حکومت اسلامی به تفصیل آورده می‌شود:

۱-۲-۵. فقهای امین

بر اساس این نظر در صورت فقدان حکومت، فقهای امین شیعه بهترین مตولی برای دریافت زکات و مصرف آن در موضع اعلام شده‌اند. از طرف داران این نظر می‌توان به شیخ مفید، سید مرتضی، ابوصلاح حلی، قطب راوندی، محقق حلی، ابن سعید هذلی، علامه حلی و شهید اول اشاره کرد. شیخ مفید در کتاب خود، پس از بیان مตولی زکات در زمان حضور امام، در بیان حکم دوران فقدان حکومت اسلامی می‌نویسد:

پرداخت زکات به پیامبر ﷺ واجب شد و پس از اینکه ایشان از جهان چشم فروبسته و رحلت فرمودند، پرداخت زکات به جانشین وی و پس از جانشین پیامبر ﷺ، به نائب خاص امام از شیعه واجب گردید و در صورت عدم وجود متولیان مذکور، پرداخت زکات به فقهای امین واجب شد؛ زیرا فقیه عالم‌ترین شخص به موضع زکات است (شیخ مفید، ۱۴۱۰، ص ۲۵۲).

از بیان شیخ مفید به دست می‌آید که در زمان فقدان حکومت اسلامی، اولاً باید زکات را به فقهای امین شیعه پرداخت کرد؛ ثانیاً علت این حکم، آگاهتر بودن فقیه به موضع مصرف زکات نسبت به مزکی بیان شده است.

محقق حلی پس از توضیح شرایط حضور و بسط ید امام، در توضیح شرایط نبود امام و حاکم اسلامی می‌نویسد:

عامل جمع آوری زکات نیز نمی‌تواند بدون اذن امام اقدام به تقسیم زکات کند و در صورت غیبت امام باید آن را به فقیه امین و متدين شیعه بپردازد؛ زیرا به موضع آن بیشتر آشناست و بهترین تقسیم‌کننده بین اصناف مستحق زکات است. فقیه می‌تواند هر طور که صلاح بداند زکات را بین مستحقین آن تقسیم کند؛ با این توضیح که می‌تواند زکات را برای عده‌ای از یک گروه و صنف و یا تنها برای یک گروه اختصاص داده و یا آن را تنها به یک

۲-۲-۵. پرداخت کننده (مزکی)

بر اساس این نظر، در زمان نبود ولی امر در جامعه سه سهم از مصارف هشتگانه که منوط به حضور امام و حکومت اسلامی بوده، تعطیل است. از همین معطل گذاشتن سه مورد مصرف در زمان غیبت و منوط نمودن آن به اذن امام، می‌توان به طور ضمنی فهمید که طرفداران این نظر، این منبع را نه یک حق فردی بلکه مسئله‌ای حکومتی دانسته‌اند که از باب اضطرار، اجازه مصرفش به خود فرد داده شده است؛ و گرنه پرداخت کنندگان به خودی خود حقی در این مال ندارند. البته این مسئله به طور صریح در بیان قائلان به این نظر نیامده است. از طرفداران این نظر می‌توان به شیخ طوسی، ابن‌ادریس و ابن‌براچ اشاره کرد.

شیخ طوسی در توضیح مطلب می‌نویسد:

در صورتی که امام غایب باشد و منصوب امام بر این امر نیز وجود نداشته باشد زکات بین پنج گروه مذکور یعنی فقرا، مساکین، آزادسازی برداگان، بدھکاران (ادای دین بدھکارانی که بدون تصریب بدھکار شده‌اند) و در راه ماندگان تقسیم می‌شود و سهم **مُؤْلَفَةٌ قُلُوبُهُمْ** و سهم **السَّاعَةِ و سهم الْجَهَادِ ساقِطٌ خَوَاهِدُهُ**؛ زیرا آنها تنها در زمان حضور امام موجودند؛ با این توضیح که **مُؤْلَفَةٌ قُلُوبُهُمْ** موردي است که امام دل آنها را به دست می‌آورد تا با او به جهاد بیایند و متصدیان جمع آوری زکات نیز منصوبان از جانب امام در جمع آوری هستند و جهاد نیز در زمان حضور و دستور امام و یا به دستور منصوب خاص امام در این جهت است، در صورتی که امام غایب است و نائب خاص وی در جهاد نیز وجود ندارد. لذا زکات بین پنج گروه دیگر تقسیم می‌شود (شیخ طوسی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۵).

عبارات ابن ادریس و ابن براج نیز همانند عبارت شیخ طوسی است.

۳-۲-۵. قول به تفصیل

بر اساس این نظر، در این زمان اگر خود شخص افراد مستحق دریافت زکات را بشناسد، خود متولی زکات است و می‌تواند آن را به مصارف تعیین شده برساند (البته در مورد مصرف سه سهم حکومتی زکات حق استفاده ندارد) و اگر افراد مستحق را نمی‌شناسد، باید آن را به فقهای امین واگذار. به عبارتی اولویت مصرف زکات ابتدا خود فرد است و سپس به فقهای امین واگذار می‌گردد. از قائلان به این نظر می‌توان ابن زهره و ابن حمزة را نام برد. ابن زهره در این زمینه می‌نویسد:

در صورتی که دسترسی به امام یا منصوب ایشان غیرممکن باشد و کسی که پرداخت زکات بر وی واجب شده، به گروههای مستحق زکات عالم باشد و آنها را بشناسد، می‌تواند آن را به مستحقین زکات پردازد و در صورتی که عالم به مستحقین زکات نباشد، آن را به فقیه امین از اهل حق پرداخت می‌کند تا اینکه ایشان آن را بین گروههای مستحق زکات تقسیم نماید؛ و هیچ‌کس غیر از امام یا منصوب وی نمی‌تواند زکات را جهت تأليف قلوب، پرداخت به عاملان جمع‌آوری زکات یا جهاد در راه خدا مصرف نماید؛ زیرا بنا بر اجماع و احتیاط تولیت این کار تنها بر عهده ایشان بوده و مخصوص آنهاست (ابن زهره، ۱۴۱۸، ص ۱۲۵).

همان طور که از عبارت ابن زهره آشکار می‌شود، در صورت شناخت مصارف توسط مزکی، اولویت قرار دادن در مواضع مصرف، با خود اوست و در صورت عدم شناخت باید آن را به فقیه امین بسپارد.

۶. بررسی وضعیت موجود

پس از آنکه نظر فقهای امامیه درباره متولی زکات مشخص شد، بایسته است که این موضوع در عرصه اجرایی و عملیاتی کشور نیز بررسی شود تا بتوان با تطبیق نظر بیان شده و بررسی و تحلیل وضعیت کنونی و چالش‌های پیش روی حکومت اسلامی، پیشنهادی مناسب در این زمینه ارائه کرد. این مطلب در قالب سه مقدمه بیان می‌شود:

۱-۶. مقدمه اول

در دوران فقدان حکومت اسلامی، روش جمع‌آوری زکات به دو شکل بیان شده است: برخی فقهای متقدم معتقدند پرداخت زکات در حیطه اختیار فرد مزکی است و برخی دیگر بر این نظرند

که باید به فقهای امین شیعه پرداخت شود. در بیان چرایی نظر دوم، ملاک آگاهتر و آشناتر بودن به مواضع مصرف بیان شده است. با ظهور انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی به رهبری امام خمینی ره و استمرار آن به زعمات مقام معظم رهبری بار دیگر پس از حکومت پیامبر اکرم ص و امیر المؤمنین ع و دوران کوتاه زعامت امام حسن مجتبی ع، شیعه در پرتو زعامت یک فقیه جامع الشرایط به عنوان نایب عام معصومین ع، اقدام به تشکیل حکومت اسلامی کرده و درنتیجه ممکن است جمع آوری زکات بر اساس سازوکار فردی، کارآمدی کافی را نداشته باشد.

۶-۲. مقدمه دوم

از مهم‌ترین مسائل و چالش‌های پیش روی حکومت اسلامی، تأمین مالی برای تدبیر امور مسائل اجتماعی است. لذا ایجاد ابزارهای متنوع مالی و به روزرسانی ابزارهای متفاوت از مهم‌ترین اهداف هر حکومتی است. حکومت اسلامی با دارا بودن ابزارهای مالی متنوع از قبیل زکات، خمس، انفال و مالیات حکومتی می‌تواند با به روزرسانی و پویاسازی آنها بسیاری از مضلات و چالش‌های ایجاد شده را برطرف سازد. به همین منظور و برای ساماندهی و جمع آوری زکات در حکومت اسلامی، با عنایت و هدایت ولی فقیه زمان، دبیرخانه‌ای با عنوان شورای مرکزی زکات در کمیته امداد امام خمینی تشکیل شد که از مهم‌ترین وظایف آن جمع آوری و مصرف زکات است. به عبارت دیگر، کمیته امداد به عنوان متولی دریافت زکات از سوی ایشان تعیین شد تا ضمن آماده‌سازی سازوکار مناسب برای دریافت زکات، با تشکیل شوراهای استانی اقدام به درخواست و دریافت زکات از مردم کند.

۶-۳. مقدمه سوم

پرداخت زکات توسط مزکی به فقهای امامیه، سازوکاری باقی‌مانده از دوران فقدان حکومت اسلامی است که همچنان پس از تشکیل حکومت اسلامی نیز ادامه یافته و افراد واجد پرداخت زکات، وجهات خود را به ایشان می‌پردازن. به عبارت دیگر، دریافت زکات توسط فقها را می‌توان متولی زکاتی دانست که به صورت موازی در کنار متولی تعیین شده قرار گرفته است. گفتنی است که دریافت زکات توسط فقهای امامیه، بنا بر نظر شماری از متقدمان شیعه، راهکاری در دوران فقدان حکومت اسلامی بوده است. به عبارت دیگر هیچ فقیهی (همان طور که در توضیح متولی زکات در دوران حکومت اسلامی بیان شد) نظریه پرداخت زکات به فقهای امین شیعه در دوران حکومت اسلامی را بیان نکرده و پرداخت زکات به ایشان، صرفاً مربوط به دوره فقدان حکومت است (البته

این نظر نیز اجماعی نیست و نظر تعدادی از ایشان است). لذا بر اساس نظر فقهای امامیه، حضور این متولی دریافت زکات به صورت موازی با متولی اصلی زکات، هیچ‌گونه شأن و جایگاهی در دوران حکومت اسلامی نخواهد داشت. همان‌طور که در مقدمه اشاره شد این مسئله سبب بروز مسائلی از قبیل سردرگمی افراد در پرداخت زکات به متولیان زکات، عدم حسابرسی شفاف مالی و بی‌اطلاعی از نحوه مصرف آنها، بی‌اطلاعی از مقدار زکات بالقوه و بالفعل در کشور و کاهش بهره‌وری درآمد حاصله شده است.

تحلیل و جمع‌بندی

دیدگاه فقهای امامیه در بحث نظری درباره تولیت زکات، در صورت وجود حکومت اسلامی بر دو دسته است: عده‌ای قائل به وجوب ابتدایی اند و مشهور فقها و جو布 پرداخت در صورت درخواست ولی امر است. قدر مตیقnen در جمع بین این دو نظر، حکم به وجوب پرداخت در صورت درخواست ولی امر است. به عبارت دیگر اگر ولی امر در جامعه حاضر باشد و از مردم مطالبه زکات کند، بر اساس نظر بیشتر فقهای امامیه بر تمامی افراد واجب است زکات را به ایشان پردازند و مصرف آن توسط مزکی، مکفی از تکلیف نیست؛ و در صورت فقدان حکومت اسلامی، در پرداخت به فقیه، مزکی و تفصیل بین این دو اختلاف نظر وجود دارد. نکته درخور توجه اینکه فقهایی که معتقدند زکات باید به فقیه پرداخته شود، علت را آشناتر بودن فقیه به مواضع مصرف دانسته‌اند و همچنین کسانی که قائل به تفصیل حکم بین مزکی و فقیه شده‌اند، باز علت و چراجی را شناخت مواضع اعلام کرده‌اند. لذا صرف نظر از بررسی علت حکم از جهت ولايت داشتن شخص دریافت‌کننده زکات، می‌توان از کلام فقها این‌گونه نتیجه گرفت که علت پرداخت زکات به فقیه و مزکی در صورت فقدان حکومت، آگاهی بیشتر آنها از مواضع پرداخت است. این علت در کنار توجه به هدف بیان شده شارع در تشریع زکات، اولویت پرداخت زکات به امام جامعه در صورت وجود حکومت اسلامی را ثابت می‌کند. همچنین در بحث تطبیق با شرایط کنونی، مشخص شد که با وجود حکومت اسلامی، ولی امر طبق حق ذاتی خود اقدام به تعیین متولی دریافت زکات کرده است و این نهاد در حال فعالیت در این زمینه بوده است. از سوی دیگر فقهای امین (بر اساس روال اکثر زمان دوران غیبت) کبرا که آنان نیز جزو متولیان دریافت زکات بوده‌اند پس از تشکیل حکومت نیز همچنان طبق سازوکار دوران فقدان حکومت اسلامی عمل می‌کنند و همچنان اقدام به دریافت زکات می‌نمایند و این رویه، سبب بروز مشکلات فراوانی شده است. لذا تبدیل و تحول از سازوکار فردی به سازوکار حکومتی اسلام در این زمینه، می‌تواند بسیاری از مشکلات را برطرف سازد و به ارتقا و کارآمدی و

بروزرسانی این ابزار کمکی شایان برساند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه.
- ابن حمزه، عمال الدین (۱۴۰۸ق). الوسیلة الی نیل الفضیلۃ. قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
- بحرانی، سیدهاشم (۱۳۷۴). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات دارالتفسیر.
- حلبی، ابن زهره (۱۴۱۸ق). غنیة النزوع الی علمی الاصول والفروع. قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
- حلی، حسن (۱۴۱۰ق). قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام. قم: انتشارات منشورات الرضی.
- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵). فقه القرآن. قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
- رستمی، محمدزمان، و رستمی، محمدهادی (۱۳۹۴). پیشنهادهایی برای بسط و جایگزینی نظام مالیاتی اسلام، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی. ۸ (۱۵).
- صدر، سیدکاظم و همکاران (۱۳۸۱). بررسی مالیات بر شرکت‌ها در ایران بر اساس الگوی مالیات‌های اسلامی. پژوهش‌های اقتصادی ایران ۳ (۶): ۱۳-۴۰.
- صالح آبادی، علی (۱۳۸۳). مؤسسه مالی زکات و نقش آن در تأمین مالی نیازهای جامعه اسلامی (بررسی موردی تجریبه کویت). تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).
- صدر، سیدکاظم، و گیلک حکیم آبادی، محمدتقی (۱۳۸۱). آیا نظام مالیاتی ایران، اسلامی است؟، فصلنامه اقتصاد اسلامی. ۷: ۹-۱۸.
- طوسی، محمدحسن (۱۳۷۶). النهاية فی مجرد الفقه والفتاوی. قم: انتشارات قدس محمدی.
- عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۳ق). وسائل الشیعه. ج ۶. قم: المکتبة الاسلامیة.
- عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. ج ۶. قم: مؤسسه آل البيت.
- علم‌الهدی، سید مرتضی (۱۳۸۷). جمل العلم والعمل. نجف: انتشارات الاداب فی التحفه الشرف.

۱۴۲

- غفاری، هادی (۱۳۸۶). نظام اقتصادی صدر اسلام. تهران: دانشگاه پیام نور.
- قرائتی، محسن (۱۳۹۱). خمس و زکات. تهران: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت (ع).
- مؤمن قمی، محمد (۱۳۹۰). ولی امر و مالکیت اموال عمومی، تخصصی فقه اهل‌بیت (ع).
- محقق حلی، جعفر (۱۴۱۵). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. تهران: انتشارات ۷۲-۲۹. صص ۶۸
- محقق حلی، جعفر (۱۴۱۵). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. تهران: انتشارات

استقلال. چاپ چهارم.

- مدرسی، سید محمد رضا (۱۳۶۷). مقدمه‌ای بر نظام مالیاتی و بودجه. تهران: هجرت.
- مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰ق). سلسلة البنایع الفقهیه. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
- مفید، محمد (۱۴۱۰ق). المقنعه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. چاپ دوم.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۶۷). مبانی فقهی ولایت فقیه. تهران: انتشارات کیهان.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۵ق). تحریر الوسیلة. قم: دفتر تبلیغات انتشارات اسلامی.
- هاشمی شاهروodi، محمود (۱۳۹۲). متولی زکات، فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت^{۱۴}.

۷۳-۵. صص ۲۲-